

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی
سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۴۶-۱۲۷

پژوهش در اصالت و تبارشناسی دو نسخه از نسخه‌های خطی منتسب به ضیاءالدین خجندی پارسی و بررسی ارتباط آن با کمال خجندی^۱

دکتر ابوالفضل مرادی (رستا)^۲

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، پردیس طالقانی قم

چکیده

دیرینگی نسخه‌های خطی و خطاهایی که در یافتن صاحبان آثار رخ می‌دهد، باعث می‌شود که بعضی از تألیفات و کتاب‌ها به نام مؤلفان دیگر به خطا و اشتباه به ثبت برسد. شباهت نام کمال‌الدین مسعود خجندی متوفی ۸۰۳ هـ.ق. و ضیاءالدین محمود بن جلال‌الدین مسعود خجندی متوفی ۶۲۲ هـ.ق. سبب گردیده است که در مواردی آثار این دو شاعر گران‌قدر فارسی به نام یکدیگر به ثبت برسد. این پژوهش بر آن است تا به خطای صورت گرفته در انتساب دو نسخه از نسخه‌های خطی موجود در مجلس شورای اسلامی ایران تهران به شماره ۷۸۲۸/۶ و شماره ۱۲۶۴۴ به نام ضیاءالدین خجندی بپردازد. در نتیجه این تحقیق، مشخص می‌گردد که نسخه فوق متعلق به کمال خجندی بود و انتساب آن به ضیاءالدین محمود خجندی در فهرس نسخه‌های خطی نادرست است. این پژوهش برای نخستین بار

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۶

۱- تاریخ وصول: ۹۵/۴/۲۲

۲- abolfazlmoradi@ut.ac.ir

دریچه‌ای جدید در بررسی تبارشناسی نسخه‌های خطی دیوان دو شاعر بزرگ خجندی یعنی ضیاءالدین محمود و کمال‌الدین مسعود در پیش روی محققان قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی

دیوان اشعار، نسخه‌های خطی، ضیاءالدین مسعود خجندی، کمال‌الدین مسعود خجندی

مقدمه

شناسایی میراث کهن و ارزشمند فارسی ایران در گرو همکاری گروه‌های بسیار از اهل فرهنگ و دانش‌دوستان و دانشمندان است. در کنار متولیان دلسوز کتابخانه‌ها و خادمان نسخه‌های خطی، کتابشناسان و پژوهشگران نسخه‌های خطی، سهم بسزایی در شناسایی و معرفی این میراث به علاقه‌مندان و اهل علم دارند. این تلاش‌ها باعث می‌شود آثار ارزشمند و گنجینه‌های بی‌بدیل فرهنگ‌ها و ملت‌ها به سهولت برای علاقه‌مندان شناخته شود.

ضرورت و اهمیت پژوهش

بدیهی است که زحمات و تلاش‌های کتابشناسان همچون باستان‌شناسانی است که از بین مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی یک نسخه را شناسایی نموده و در کتاب‌های فهرس به مخاطبان معرفی می‌نمایند. در این حجم عظیم خدمات‌ها، گاهی مواردی پیش می‌آید که بنا به دلایلی، دچار اشتباه و خطا شده و لازم است که پژوهشگران در این عرصه وارد شوند و این تحقیقات را تکمیل نمایند. مقاله حاضر از این جهت اهمیت دارد که سعی می‌کند در مقوله شناسایی دو نسخه از دیوان کمال وارد شود و با تأمل و دقت بیشتری صحت انتساب آن‌ها را بررسی کند. آشکار است که این تحقیق می‌تواند در صورت اثبات خطا، نویافته‌ای در عرصه پژوهش در نسخه‌های خطی کمال خجندی محسوب گردد.

پیشینه تحقیق

در خصوص تحقیق در نسخه‌های دیوان کمال خجندی تاکنون کارهای ارزشمندی صورت گرفته است و دیوان وی، افزون بر گزیده اشعار و منتخب‌ها، بارها به صورت کامل چاپ شده است و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. از جمله می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

- دیوان شیخ کمال خجندی همراه با شرح حال و زندگانی بر اساس اقدم نسخ. (۱۳۷۴) به خط علی دامغانی؛ پژوهش و تحقیق ایرج گل‌سرخ. انتشارات سروش.
- دیوان کمال‌الدین مسعود خجندی. (۱۳۵۴) به اهتمام ک. شیدفر کاری از آکادمی علوم اتحاد شوروی، انستیتوی خاورشناسی توسط انتشارات دانش در مسکو.
- دیوان کمال خجندی. (۱۳۷۲) تصحیح و مقابله احمد کرمی تهران: انتشارات ما.
- دیوان کمال خجندی. (۱۳۷۵) تصحیح عزیز دولت آبادی و مقدمه علی اصغر شعر دوست. انتشارات مجمع بزرگداشت شیخ کمال خجندی.

اما در خصوص دیوان ضیاءالدین خجندی در تذکره‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیات نام و زندگانی وی به طور مختصر آمده است؛ اما اثر وی تا کنون به صورت چاپی منتشر نشده است.

نخستین کسی که درباره ضیاءالدین و تاریخ عصر او تحقیق دقیق انجام داده است، استاد فقید سعید نفیسی است که ظاهراً قصاید و قطعاتی را که نسبت به اصل دیوان بسیار اندک است از تذکره‌ها و جنگ‌ها جمع آوری کرده است و در جلد سوم تاریخ بیهقی چاپ کرده است که قطعاً نسخه کاخ گلستان در آن زمان در اختیار شاعر نبوده است (نصراللهی کردی، ۱۳۹۱)

کامل‌ترین کار صورت گرفته در خصوص تحقیق در دیوان ضیاءالدین خجندی بر اساس نسخه منحصر به فرد دیوان کمال موجود در کتابخانه سلطنتی تهران مشهور به کاخ گلستان به صورت پایان‌نامه و با عنوان «تصحیح و توضیح در دیوان ضیاءالدین خجندی پارسی» توسط علی نصراللهی کردی در سال ۱۳۹۱ انجام شده است.

محدوده پژوهش

ضیاءالدین خجندی و اصل و نسبش:

نام او در تذکره‌ها ضیاءالدین محمود بن جلال‌الدین مسعود خجندی معروف به پارسی، از شعرای نامدار نیمه دوم قرن ششم و اوایل قرن هفتم بود و گفته‌اند که نسب وی به سلمان فارسی می‌رسید و از این رو فارسی تخلص می‌کرد (نصیری، ۱۳۸۴: ۴/۷۷). آن‌چنان که در دیوان خویش به منشأ و مولد خویش پرداخته است و در تذکره‌ها نیز آمده است «در جوانی از شیراز به خراسان رفت و در شهر خجند اقامت گزید. به خجندی معروف لهذا تا نسب و موطن معلوم باشد، فارسی تخلص می‌کرده یا خجندیانش فارسی لقب داده‌اند» (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۱۹۱). ضیاءالدین بنا به شغل پدر که از صاحب منصبان دربار پادشاهان آل افراسیاب بود، در ایام جوانی به همراه پدر، فارس را به قصد خجند ترک کرد. وی همراه پدر علاوه بر شعر و شاعری و هنر و مدح و در کنار کسب مقامات علمی، احراز شاگردی امام فخر رازی، در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز دست داشت و به وزارت آل افراسیاب نیز نائل شد (سرمدی و کوپا، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

ولادتش به سال ۵۷۰ هـ.ق. در ولایت فارس بوده است. درباره وفات او تذکره‌نویسان اغلب سال وفاتش را ۶۲۲ هـ.ق. دانسته‌اند و وفاتش در شهر هرات در ۶۳۸ هـ.ق. روی داده است (نصراللهی کردی، ۱۳۹۱: ۱۲). در مقابل این نظر که او از شیراز بود، گروهی از صاحب نظران معتقدند که اصل او از منطقه خراسان و خجند بود. از جمله در ریحانه الادب آمده است: «ضیاءالدین خجندی، خجندی الاصل، شیرازی المسکن، هراتی المدفن، شاعری است که به وفور فضل و کمال معروف بوده» (مدرسی، ۱۳۶۹: ۴/۸). نفیسی نیز بر این نظر است که او ضیاءالدین محمود بن جلال‌الدین مسعود خجندی معروف به فارسی از شعرای قرن ششم و اوایل قرن هفتم اصالتاً از مردم خجند بوده و پدرش در زمان قطب‌الدین محمد تکش خوارزمشاه از خجند به خوارزم رفت و در دربار خوارزمشاهیان به مقام و منصب

عالی رسید و تا حد وزارت خراسان ارتقاء یافت. ضیاءالدین که در تمامی این مراحل همراه پدر بود، با کشته شدن وی در یورش مغول، جانشین پدر شد و به وزارت خراسان رسید ولی دیری نگذشت که این مقام را ترک کرد (نفیسی، ۱۳۴۴: ۱۶۵).

سخن در اصالت موطن و یا مهاجرت وی از خراسان به خجند و رسیدن به مقامات عالی نکته‌ای است که در این پژوهش مبنای مواردی در باب نسخه شناسی اثر او قرار می‌گیرد لذا از این منظر بسیار مهم است.

معرفی نسخه منحصر به فرد دیوان ضیاءالدین خجندی

دیوان ضیاءالدین با شماره امالی ۲۵۳ و قطع وزیری ۲۸×۲۱ با خط کتابت ترسل نویس وسط و کاغذ دولت‌آبادی حنایی و جلد مقوایی تیماج قرمز به خامه حسن بن یوسف در سال ۶۶۴ نگاشته شده است و در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود.

این دیوان در ۲۶۱ است که در هر صفحه با احتساب عناوین حدوداً ۲۹ تا ۳۰ سطر کتابت شده است که مجموعاً حدود ۷۰۰۰ بیت شعر دارد. در بخش قطعات علاوه بر شعر شاعر، شعر معاصران او که در مدح و ستایش او و شعرش برای او فرستاده‌اند وجود دارد. در صفحه اول کتاب یک رباعی و دو غزل وجود دارد با قلم نسخ که با نوع کتابت متن اصلی متفاوت است و تخلص شاعران در دو غزل آمده است (نصراللهی کردی، ۱۳۹۱: ۶). ترتیب قرار گرفتن قالب‌های شعری بدین گونه است که ابتدا تمام قصاید را آورده است و در لابه‌لای قصاید، ترکیب بندها را جای داده است. بعد از آن غزلیات و سپس قطعات به‌طور کامل آمده است و سپس رباعیات ذکر شده. بعد از پایان رباعیات سه قصیده آمده که قصیده آخر ناتمام است. بعد از سه صفحه که سفید مانده است، دو قصیده دیگر یکی در مورد مولانا سیف‌الدین اسفرننگی و دیگر درباره حاجی جلال لارندی کتابت شده است که دارای رقم و تاریخ است و در پایان نسخه آمده است کتبه «حسن بن یوسف سبط مرحوم

حسام‌الدین حافظ الملقب به نظام فی عشرين رجب سنه ست و ستين و ستمائه». با توجه به این که نوع کتابت متن اصلی با کتابت دو قصیده آخر متفاوت است، به نظر می‌رسد حسن بن یوسف فقط چند قصیده آخر را به دیوان اضافه کرده باشد (درایتی، ۱۳۹۲: ۱۵/۵۱۵).

نسخه به خط شاعر و سراینده آن

اینکه شاعر اهل فضل و دانش بوده است و همچنین هنرمندی بود که بر هنر خوشنویسی آگاهی داشته است و طبق ابیات خود شاعر و بیان هم عصرانش که در دیوان، روشن و واضح است همچنین با آوردن قراین و دلایل می‌توان بدین نتیجه رسید که کاتب نسخه، خود شاعر است (نصراللهی کردی، ۱۳۹۱: ۷).

نسخه اصلی دیوان ضیاءالدین خجندی پارسی توسط استاد احمد منزوی چنین معرفی شده است:

«از مردم شیراز که در خراسان زیسته، زاده در ۵۷۰ هـ.ق.

سال چون پانصد و هفتاد گذشت نقش بند ازلی نقش وجودم بنگاشت

زنده در ۶۳۷ که در آن تاریخ زایش دو فرزند خود را یاد کرده است» (منزوی، ۱۳۵۰: ۲۴۱۰) و در ادامه نیز مشخصات نسخه را چنین معرفی کرده است: «۲۴۲۷۵-تهران، سلطنتی ۴۲۸(۳۸۲ ف): نستعلیق کهن سده ۷-۸ شاید به خامه سراینده، با تاریخ ۷۶۶ به خامه دیگری. آغاز: رویت به حسن عالم جانرا کمال داد- عشقت به لطف، حجره دل را جمال داد. سروده‌هایی از دیگران بر آن افزوده شده، روی هم ۲۶۱ ص، ۲۹ تا ۳۱ س [ف]. دکتر بیانی: ۱۱۰]» (منزوی، ۱۳۵۰: ۲۴۱۰).

زندگانی کمال خجندی

صوفی، عارف و شاعر متخلص به کمال معروف به شیخ کمال در خجند از بلاد ماوراءالنهر

به دنیا آمد در جوانی به سفر حج رفت و بعد از مراجعت در تبریز سکنی گزید و تحت حمایت سلطان حسین جلایر (۷۸۴-۷۷۶) قرار گرفت. وی در علوم ظاهری و باطنی عصر خود استاد بود و چون در تصوف و شعر و ادب تبحر داشت، پیروان و مریدان بسیاری پیدا کرد. او با شیخ زین‌الدین خوافی و مولانا محمد شیرین، مشهور به مغربی معاصر و معاشر بود. کمال در پی آشوب‌های تبریز، مدت چهار سال به شهر سرای، پایتخت قبچاق رفت و مریدان بسیار در آنجا به دست آورد و با خواجه عبیدالله چاچی، عارف مشهور، ملاقات و صحبت داشت. وی در ۷۹۸ هـ.ق. به تبریز بازگشت و تحت حمایت میرزا میرانشاه، فرزند تیمور قرار گرفت و در خانقاهی که داشت تا آخر عمر زیست.

کمال معاصر حافظ شیرازی بود و پیشه شاعری داشت و شعر را برای بیان احساسات و افکار خود و برای ارشاد تربیت دیگران به کار می‌برد. وی غزل‌های عارفانه را استادانه می‌سرود و گذشته از جامی تنها شاعری است که حتی المقذور سعی می‌کرد غزلیاتش همه در طول، یکسان باشند؛ یعنی از هفت بیت تجاوز نکنند. در سرودن شعر از سبک خواجه حسن دهلوی پیروی می‌کرد. در تبریز درگذشت. درباره زمان فوت او در تذکره‌ها تاریخ متفاوتی از ۷۹۲ تا ۸۰۸ هـ.ق. ذکر شده است. از آثارش دیوان شعر، حدود ۸۰۰۰ بیت است (نصیری، ۱۳۸۴: ۵/۵۳).

شیوه و روش پژوهش

آنچه در این تحقیق صورت گرفته است در محدوده نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی است و به‌طور مشخص دو نسخه از نسخه‌های خطی این کتابخانه بررسی شده است و همچنین این تحقیق به‌صورت بررسی کتابخانه‌ای در دو فهرست منتشر شده از نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه مزبور، صورت گرفته است. سپس با مراجعه به تصاویر کامل نسخه‌های مذکور، مطالعه و بررسی اصل نسخه‌ها نیز موجب کامل‌تر شدن و مستند شدن پژوهش گردیده است.

نویافته‌های پژوهش

آنچه در بخش پیشین مقاله درباره زندگانی و شرح حال دو شاعر گران‌قدر از منطقه خجند آورده شد، بدین سبب بود که دو اثر از دیوان اشعار کمال خجندی که در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی معرفی گردیده است، اشتباهاً به ضیاءالدین محمود بن کمال‌الدین مسعود خجندی انتساب داده شده است و در بخش معرفی مؤلف نام ضیاءالدین بن مسعود خجندی درج گردیده است.

• مشخصات نسخه دیوان ضیاءالدین خجندی در مجلس شورای اسلامی به شماره

۷۸۲۸/۶

در معرفی نسخه دیوان اشعار کمال خجندی به شرح زیر به ضیاءالدین خجندی نسبت داده شده است:

«از: خواجه ضیاءالدین بن مسعود خجندی (۶۲۲هـ.ق.)»

آغاز:

یا رب آن دم که به سیلاب اجل خانه عمر
بپذیرد خلل و تن شود از غم چو خلال
انجام:

با یار میان باغ هنگام صبح
با ناله چنگ و دف و نی می‌خواهم

نستعلیق؛ رساله دوم نعمت الله بن سید علی حسینی، ۲۰ ربیع‌الاول ۹۶۱، رساله چهارم محمد بن حاجی محمد، بی‌تا؛ تمامی صفحات مجدول مذهب مرصع؛ جلد: تیماج، مشکی، طوبی، ترنج باسر. ۲۴۵ برگ؛ ۲۳×۱۶ سانتی متر؛ ۱۵ سطر؛ [ثبت ۷۸۶۲۳]. (صدرایی خوبی، ۱۳۷۶: ۳۱۱-۳۱۰)

• مشخصات نسخه دیوان ضیاءالدین خجندی در مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۲۶۴۴

«از: خواجه ضیاءالدین بن مسعود خجندی (۶۲۲هـ.ق.)»

[مجلس ۳۱۱/۲۶، ش ۷۸۲۸/۶]. نسخه حاضر از آغاز و انجام افتادگی دارد. نستعلیق؛

بی‌کا، بی‌تا؛ عناوین زر، تمامی صفحات جدول زرین محرر؛ صفحه اول کتیبه زرین الوان؛ جلد: تیماج، قهوه‌ای، ترنج باسر با نقش گل و بوته، مجلدول. ۱۴۹ برگ؛ ۱۹×۱۰/۵ سانتی متر؛ ۱۵ سطر؛ [ثبت ۸۸۰۵۰]. (صدرایی خویی، ۱۳۷۷: ۲۰۵).

این معرفی ناظر بر این است که باید این دو دیوان، متعلق به ضیاء خجندی باشد. برای اثبات صحت و سقم این مطلب، لازم بود که ابتدا مندرجات این دو نسخه مشاهده و بررسی شود تا ببینیم کتابشناس و فهرست نگار ارجمند از چه رو این انتساب را داده است. با مراجعه به نسخه ۷۸۲۸/۶ مشخص گردید که متن موجود در دیوان که در حاشیه صفحه «۱۰۴ ر» تا صفحه «۲۴۰ ر» نسخه است، اختصاص به غزلیاتی دارد که با مراجعه به هر غزل، تخلص آن به سادگی گواه تعلق آن به کمال خجندی است. برای نمونه در صفحه‌های آغازین نسخه این غزل آمده است:

چشم من روشن به روی اوست روشن گشتش	آنکه می خوانند مردم مردم چشم منش
شیوه‌ای خوش تر نمی آید ز عاشق کشتش	بر دل عاشق ز یک یک شیوه‌های چشم او
در نمی یابند مکر و شیوه شیر افکنش	آهوان را از دویدن شد جگر خون و هنوز
پاک دامانی بیاموزید از پیراهنش	پیرهن در بر نگیرد آن بدن جز با خیال
خون بهای خود گرفتی چون گرفتی دامنش	دامن زلفش گرفتم وقت قتل آن پیر گفت
جان ز اول بیشتر آید به سر وقت تنش	عکس شمشیرت پس از کشتن گرفتد بر کمال

(نسخه ۷۸۲۸/۶: گ ۲)

در قسمت پایانی رساله در نسخه فوق، نیز این غزل، مشاهده می‌شود که از کمال خجندی است:

که با من آن نمی آری به جا نیز	دریغ از جور آید وز جفا نیز
بخواند رحمتم گوید دعا نیز	تو دشنام دهی بهتر که گیری
نمی بندی نمی سازی رها نیز	چه صیدم من که یک بارم به فتراک

هنوز اندر سرم مهر تو باشد
 به قتل من هوس تنها نه او راست
 دراز افتاده است آن رشته زلف
 کمال آیین خونریزی جوان است
 اگر از خاک من روید گیا نیز
 که هست آن آرزو در جان مرا نیز
 رسد آن رشته یک روزی به پا نیز
 مخور اندوه که نگذارد تو را نیز
 (نسخه ۷۸۲۸/۶: گ ۹۴)

در برگ پایانی رساله دیوان حاشیه‌نویس کمال در نسخه ۷۸۲۸/۶ ترقیمه‌ای که در برگ ۹۵ ر نسخه آمده است، گواهی می‌دهد که این اثر، متعلق به کمال خجندی است:
 «تمام شد دیوان قدوة الشعرا فی زمانه الفایز برحمة الله و غفرانه الشیخ الاعظم السّعيد الشهدید کمال المله و الدین محمد الخجندی طاب ثراه و جعل الجنة مثواه علی یدی العبد الضعیف النحیف المحتاج الی رحمة الله الملك الجلیل، محمد بن ابراهیم بن اسماعیل المشتهر به جوانمردی شیرازی غفر الله له و لوالدیه و لجمیع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات حرره فی المنتصف ربیع الثانی سنه ست و ثلاثین و ثمانمائه و الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین. ۸۳۶»

نسخه دیگری که در انتسابش اشتباهی رخ داده است، نسخه ۱۲۶۴۴ مجلس شورای اسلامی است. با مراجعه به نسخه مشخص می‌شود که غزل‌های موجود در نسخه، متعلق به کمال خجندی است در صفحات آغازین نسخه فوق نیز غزل نخست چنین است:

دوش از در میخانه بدیدیم حرم را
 فرمان خرد بر دل هشیار نویسند
 ای مست گرافتی به سر تربت شاهان
 پای ستم از ساحت جان گرد برآورد
 چنگ ار خبر راه طلب گفت ز پیران
 در شیشه گراز می کمی‌ای هست زیان نیست
 می نوش و بین فصحت میدان کرم را
 حکمی نبود بر سر دیوانه قلم را
 مشتاق لب جام بینی لب جم را
 بنشین به می و باز نشان گرد ستم را
 بشنو خبر راست مبین پشت به خم را
 لیکن غم بسیار بود دولت کم را

صبح است کمال و می و آواز خوش نی
برخیز و غنیمت شمر این یک دو سه دم را
(نسخه ۱۲۶۴۴: گ ۳)

در پایان نسخه، غزلی متعلق به کمال خجندی، چنین آمده است:

گر زلف خود به فتنه و شوخی رها کنی	سرهای سرکشان همه در زیر پا کنی
گفتی نمایت رخ و کامت بر آورم	لطف است و مهر کار تو این‌ها کجا کنی
شوخی فراغ از آتش و آبت از آن مدام	در دل مقام سازی و در دیده جا کنی
من آن نیم که ناله کنم از تو چون قلم	گر خود به تیغ بند ز بندم جدا کنی
بر عاشقان حبیب که یک یک جفا کند	از تو، به ای رقیب که صد صد وفا کنی
دیدی صفای عارضش ای دیده گریه چیست؟	بعد از صفا به گریه چرا ماجرا کنی؟
آن خط همیشه مشک خط خوانده‌ای کمال	در یک خط ای عجب ز چه چندین خطا کنی؟

(همان: گ ۱۵۴)

آن‌چنان که در فهرست نسخه‌های خطی جلد ۲۶ و جلد ۳۶ مشاهده گردید این دو نسخه از دیوان کمال به ضیاءالدین بن مسعود خجندی (متوفی ۶۲۲هـ.ق.) نسبت داده شده است و بنا بر مشاهده محتوای نسخه، روشن است که هیچ رابطه‌ای بین این دو نسخه و دیوان اشعار ضیاءالدین خجندی پارسی وجود ندارد.

بحث و بررسی و تحلیل یافته‌های پژوهش

اکنون با کمی بررسی و تأمل آشکار است که انتساب این نسخه‌ها به ضیاءالدین خجندی درست نیست و با بررسی‌های بیشتر مشخص می‌گردد که هیچ نشانه‌ای در نسخه‌ها که بتواند به نوعی رابطه‌ای بین آن‌ها و دیوان اشعار ضیاء خجندی به‌عنوان نسخه منحصر به فرد به شماره ۲۵۲ در کتابخانه سلطنتی تهران بینجامد، وجود ندارد. پس ناگزیر این گمان مطرح می‌شود که فهرست‌نگار محترم به خاطر تشابه اسمی بین ضیاءالدین بن مسعود خجندی و

کمال‌الدین مسعود خجندی اشتباهاً ضیاء‌الدین خجندی را به‌عنوان مؤلف اثر، معرفی کرده است و این نیز جای بسی شگفتی است چرا که همراه نام مؤلف، سال وفات ضیاء‌الدین خجندی که بنا بر مشهور البته نه به‌درستی ۶۲۲ هـ.ق. ذکر گردیده است در حالی که سال وفات کمال خجندی بنا بر مشهور سال ۸۰۳ هـ.ق. است.

اگر چه به ظن قوی تشابه اسمی باعث این خطا شده است اما می‌تواند این نظریه را تحکیم بخشد که این اشتباه توسط دیگر از فهرست‌نگاران در انتساب دیوان اشعار به هریک از این دو شاعر رخ داده باشد.

کمیابی نسخه‌های دیوان ضیاء خجندی با توجه به جایگاه شاعری و قدرت سیاسی وی
نکته مهم این است که تاکنون از دیوان ضیاء خجندی فقط یک نسخه شناخته شده است در حالی که بنا بر گواهی بزرگان و ادیبان سخن‌شناس در خصوص رتبه شعری ضیاء خجندی، وی جزو شاعران مطرح و طراز اول شعر فارسی در قرن هفتم است. از سوی دیگر قدرت سیاسی وی به‌عنوان یک صاحب منصب و وزیر و همچنین تمکن مالی او ایجاب می‌کرده که نسخه‌های بسیاری از دیوان شعری‌اش فراهم شده باشد در حالی که از دیوان کمال خجندی نسخه‌های متعدد و البته در بسیاری موارد، پراکنده و پریشان وجود دارد. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد در دیوان چاپ شده از دیوان کمال خجندی فقط به تعداد معدودی از این آثار مراجعه شده و مبنای پژوهش قرار گرفته است.

امکان مشهور شدن نسخه‌های دیوان ضیاء‌الدین خجندی به نام کمال خجندی

بنا بر آنچه در سطور بالا آورده شد، وجود یک نسخه از دیوان ضیاء خجندی، این ظن را بر می‌انگیزد که تعدادی هرچند اندک و انگشت‌شمار از نسخه‌های کمال خجندی که در اقصا نقاط جهان به نام وی ثبت گردیده است، متعلق به ضیاء خجندی بوده و این تشابه اسمی باعث این خطا شده باشد. به این مقوله می‌توان جنگ‌های شعری متعددی که در بردارنده

قطعه اشعاری از کمال خجندی است نیز افزود.

توجه به این بحث یعنی جابجایی دیوان کمال و ضیاء توسط فهرست‌نگاران زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که این گونه اشتباه را بتوان به کاتبان غیرحرفه‌ای و شاید مبتدی در عرصه نسخه‌های خطی که بعضاً اطلاعات کمتری در زمینه محتوای نسخه‌ها داشته‌اند نیز نسبت داد. بدیهی است که این یک فرضیه است و می‌تواند با پژوهش‌ها و تحقیقات دقیق بعدی درستی یا نادرستی آن، اثبات شود.

امکان یافت شدن نسخه‌های خطی ضیاءالدین خجندی در شمال خراسان و فرا رود

نکته دیگر این که ضیاءالدین خجندی بنا بر نظر غالب، در شیراز متولد شده و نشو و نما یافته و در جوانی به خراسان و خجند مسافرت کرده‌است و بقیه عمر را در خراسان و خجند در مناصب سیاسی، اجتماعی و علمی گذرانده‌است.

ضیاءالدین خجندی با توضیحاتی که از زندگانی وی داده شد و با توجه به اهمیت وی و با توجه به تأثیر او در ادب فارسی - آن‌چنان که استاد سعید نفیسی و دیگر استادان ادب فارسی وی را می‌شناسانند - در حال حاضر در تمامی کتابخانه‌ها و فهرست‌ها یک نسخه از دیوان وی شناخته شده است و این بسیار عجب می‌نماید که شاعری با این حجم شعر و با این توانمندی در سرودن اشعار ناب و اهمیت آن در ادب فارسی، چگونه فقط یک نسخه از دیوانش موجود باشد؟ او یک رجل صاحب‌نام سیاسی - اداری است؛ قطعاً امکان کتابت و استنساخ نسخه‌های بسیار برای وی فراهم بوده است. آن‌چنان که در نسخه شناسی بالا درج گردید، با توجه به تاریخ نسخه، احتمالاً نسخه منحصر به فرد دیوان ضیاءالدین خجندی، به خط خود شاعر بوده و یا اگر نتوان کاتب بودن سراینده را اثبات کرد، حداقل این است که دیوان ضیاءالدین، در زمان حیات وی جمع آوری شده و به صورت یک مجموعه هفت هزار بیتی در آمده است.

با عنایت به محل تولد و رهپویه و روند مهاجرت و زیستگاه شاعر که از فارس به سوی خراسان بوده و بخش اعظم زندگانی خویش را در خراسان گذرانده است، می‌بایست

نسخه‌هایی از دیوان وی در خراسان و فرارود و شمال منطقه شبه قاره یافت شود.

متفاوت بودن مسیر مهاجرت و زیستگاه کمال خجندی

آن چنان که در شرح کوتاه زندگانی کمال درج گردید، نمودار محل تولد و زیستگاه و مسیر مهاجرت کمال خجندی دقیقاً نقطه مقابل و برعکس ضیاء خجندی است. محل تولد کمال، خجند است ولی در جوانی راهی سفر حج گردیده و در بازگشت، در تبریز اقامت گزیده و بنا بر گواهی تذکره‌ها، هیچ‌گاه تا پایان عمر به زادگاه خویش مراجعت ننموده است. او در ایام اقامت در تبریز، هم‌زمان با آشوب‌های این شهر، به شهر سرای پایتخت قبچاق، مهاجرت کرد و مجدداً به تبریز بازگشت و سرانجام در همان شهر به سرای باقی شتافت. البته با توجه به فاصله زمانی زندگانی ضیاءالدین و کمال باید به این تفاوت جغرافیا و زیستگاه این دو شاعر در مقوله نسخه‌شناسی آثار آنان، توجه و دقت شود.

ضرورت بازنگری نسخه‌های خطی دیوان کمال خجندی

همان طوری که ذکر شد شهرت شاعری و تمکن سیاسی و حکومتی ضیاءالدین در شمال خراسان و فرارود بوده است. این امر ایجاب می‌کند که نسخه‌های دیوان وی در منطقه افغانستان و تاجیکستان و شمال خراسان، بیشتر یافت شود تا مناطق مرکزی ایران؛ لذا این مقوله درباره نسخه‌های دیوان کمال خجندی در مناطق یادشده، بیشتر محل تأمل و دقت است. شاید در بین این نسخه‌ها و یا جنگ‌ها بخشی از اشعار ضیاء خجندی یافت شود که اکنون به نام کمال خجندی شناخته شده است.

این پژوهش نمی‌تواند و نمی‌خواهد به یک‌باره تلاش‌های علمی و ارزشمند پیشینیان درباره زندگانی و شعر کمال خجندی و همچنین مطالعه کنندگان در شعر و آثار ضیاءالدین خجندی را ناچیز انگارد اما وجود دو خطا در انتساب دیوان کمال خجندی به ضیاءالدین خجندی آن چنان که در این مقوله اثبات گردید، می‌تواند این ظن را برانگیزد که با بازبینی

نسخه‌های متعدد و پریشان و پراکنده از نسخه‌های دیوان کمال خجندی شاید بتوان به کشف بزرگی دست یافت و آن یافتن بخشی از نسخه‌های ضیاءالدین خجندی در بین نسخه‌های دیوان شیخ کمال است. قریب العهد بودن و شباهت بسیار نام و انتساب مکانی مشترک می‌تواند در این اشتباه و خطا بسیار دخیل باشد.

نتیجه

• با این پژوهش آشکار شد که مؤلف نسخه خطی شماره ۷۸۲۸/۶ و نسخه خطی شماره ۱۲۶۴۴ که در فهرست نسخه‌های خطی مجلس شورای اسلامی آن کمال‌الدین مسعود خجندی متوفی ۸۰۳ هـ.ق. است که به اشتباه ضیاء خجندی (۶۲۲ هـ.ق.) قلمداد شده است.

• این اشتباه به سبب تشابه اسمی بین دو شاعر بوده و می‌تواند در دیگر نسخه‌های دیوان اشعار کمال خجندی نیز تسری پیدا کند. لذا در نتیجه این پژوهش این فرضیه مطرح می‌شود که ممکن است برخی نسخه‌های خطی دیوان کمال خجندی متعلق به او نبوده و به ضیاءالدین خجندی تعلق داشته باشد.

این نویافته بسیار ناچیز می‌تواند ما را به کشفی بزرگ رهنمون سازد و آن رسیدن به دیوانی منقح و صحیح و کامل از دیوان شیخ کمال خجندی و همچنین یافتن نسخه‌های جدید از دیوان ضیاءالدین خجندی و ارائه نسخه منقح از آن است.

منابع

- ۱- سرمدی، مجید و کوپا، فاطمه. (۱۳۹۱). پژوهشی پیرامون زندگی و شعر ضیاءالدین خجندی پارسی. *مجله تاریخ ادبیات*. سال سوم شماره ۶۷. ص.ص. ۱۳۲-۱۰۹.
- ۲- درایتی، مصطفی. (۱۳۹۲). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنا)*. تهران: انتشارات

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

۳- صدرایی خویی، علی. (۱۳۷۷). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۴- منزوی، احمد. (۱۳۵۰). فهرست نسخه‌های خطی فارسی نشریه شماره ۳۳. تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ای

۵- نصراللهی کردی، علی. (۱۳۹۱). مقدمه در زندگانی و آثار ضیاءالدین. ضیاءالدین محمود خجندی پارسی. دیوان ضیاءالدین خجندی. پایان نامه. کرج: دانشگاه پیام نور البرز.

۶- نصیری، محمدرضا. (۱۳۸۴). اثر آفرینان؛ زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۷- نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی. تهران: فروغی.

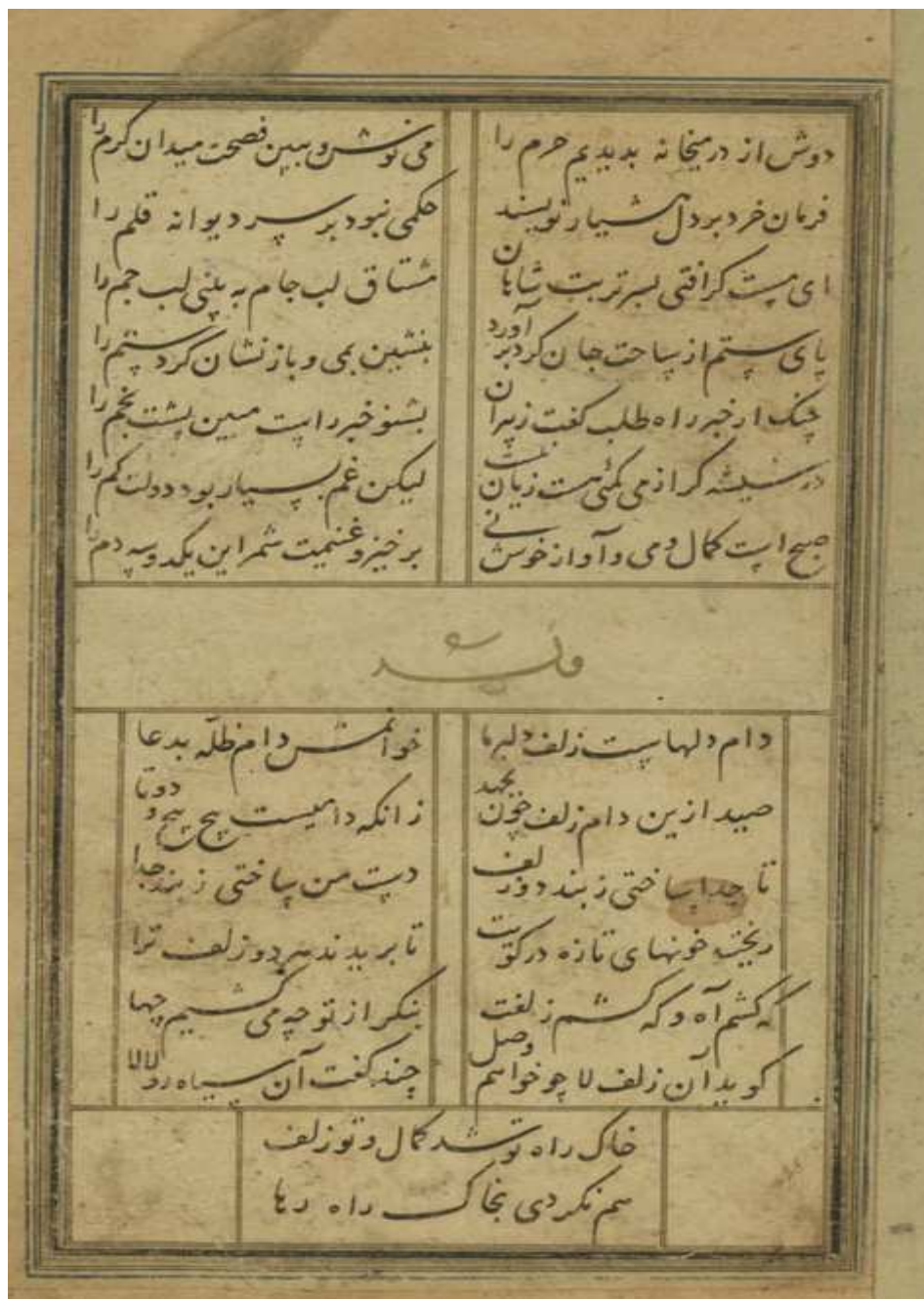
۸- هدایت، رضا قلی‌خان. (۱۳۸۲). مجمع الفصحاء. تصحیح مظاهر مصفاً. تهران: امیرکبیر.



صفحه آغازین نسخه ۷۸۲۸/۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران



صفحه پایانی نسخه ۷۸۲۸/۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران



صفحه آغازین نسخه ۱۲۶۴۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران

